

مجموعه مباحث اخلاقی

پرده پوشی و رحمت صفات حضرت احدیت

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۲ خرداد ماه ۱۳۸۶

۶ جمادی الاولی ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله ربّ العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

الهي ما بدأت به من فضلك فتمّمه وما وهبت لي من كرمك فلا
تسلبه وما سترته عليّ بحلمك فلا تهتكه وما علمته من قبيح فعلى
فاغفره»^(۱) .

خدایا! آنچه از فضلت برایم آغاز کردی با انجام رسان و آنچه از کرمت به من
عطا نمودی ، سلب مکن ، و آنچه به بردباری خود بر من مستور نمودی پرده
دری مکن ، اعمال زشت مرا که به آنها آگاهی یافته‌ای بر من ببخشا .

مهمترین فواسته، مسن عاقبت:

وجود مبارک سیّد الساجدین عليه السلام در این فراز از نیایش از خداوند
متعال درخواست می نماید که : بارالها! نعمات فراوانی به ما ارزانی داشته‌ای که
ریشه در تفضّلات تو و مهربانی‌ات به بندگان دارد ؛ بارالها! آنها را کامل و تمام

۱ - مناجات خمس عشر ، مناجات الراغبین .

کن و آنها را به خاطر گناهان از ما سلب نفرما. یعنی خداوند! بر ما کرم نما که از این نعمات تا آخرین لحظات حیات بهره‌مند شویم.

از مهمترین خواسته‌های انسان مؤمن، حسن عاقبت است که باید همیشه آن را مدّ نظر داشته باشد و بر اینکه روزی ممکن است آنها را از دست بدهد بیمناک باشد. چه بسا افرادی، عمری را در ایمان، طهارت و بندگی خدا سپری کردند اما در آخر عمر به خاطر یک حادثه و لغزش از درگاه الهی رانده شدند و یک عمر بندگی خود را حبط کردند. بنابراین انسان باید همیشه و در همه حال از خداوند بخواهد که از او در برابر لغزشها محافظت کند.

مهمترین مسأله در عاقبت به خیر شدن بنده توجّه و هوشیاری او نسبت به ذات اقدس احدیّت و عنایتهای او است؛ یعنی اگر بنده در لحظه‌های حساس و سرنوشت ساز زندگی‌اش، یک آن خود را از توجّه خاصّ حضرت حق بی نیاز بداند، خود را در سرراشویی انحطاط، گمراهی و ضلالت رها کرده است.

تفاوت اکرام و فضل الهی:

«وما وهبت من کرمک فلا تسلبه» .

و آنچه از کرامت به من عطا نمودی سلب مکن.

امام عارفان عليه السلام در همین فراز دعا از خداوند می‌خواهند نعمتهایی را که در پرتو کرامتت به ما ارزانی داشته‌ای از ما سلب مفرما. با مراجعه به آیات و روایات این مطلب به خوبی روشن می‌شود که بخشی از نعمتهای خداوند ریشه در کرامت حضرت حق (جلّ و علا) دارند و بخشی دیگر ریشه در فضل خداوند دارند و این دو با هم متفاوتند.

تفاوت این دو دسته نعمت در این است که در فضل الهی، بنده نیاز به مقدّمه چینی و استحقاق تنعم ندارد؛ یعنی لازم نیست زمینه بهره‌مندی در بنده باشد. چنانکه امام سجّاد عليه السلام می‌فرمایند:

«یا مبتدئاً بالنعمة قبل استحقاقها»^(۱).

ای کسی که نعمات خود را پیش از استحقاق [بنده] به آن ارزانی داشته‌ای. ولی نعمتهایی که در ریشه در کرامت حضرت حقّ (سبحانه و تعالی) دارد نیازمند آمادگی قبلی است و این بنده است که با اعمال و افعال خود ظرفیت دریافت و پذیرش کرامت الهی را در خود ایجاد می‌کند.

خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ * قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ *
بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾^(۲).

۱ - صحیفه سجّادیه، صفحه ۵۶۷.

۲ - سوره یس، آیات ۲۷ تا ۲۵.

من به پروردگارتان ایمان آوردم؛ پس به سخنان من گوش فرا دهید *
(سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش
قوم من می‌دانستند * که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار
داده است.

پیش زمینه دریافت کرامت‌های الهی، ایمان و تقوی است؛ یعنی اگر بنده
بخواهد به اکرام الهی متنعم شود باید این دو ویژگی را داشته باشد و این دو
(ایمان و تقوی) مراتب و درجاتی دارد و هر کس به میزان ایمان و تقوایش
می‌تواند از اکرام الهی بهره‌مند شود.

خداوند در این باره در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴾^(۱).

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبایل قرار
دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما
نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است.

خداوند، ستار العیوب:

« فما ستر علیّ بحلمك فلا تهتكه ».

و آنچه به بردباری خود بر من مستور نمودی پرده درمی‌مکن.

۱ - سوره حجرات، آیه ۱۳.

حضرت سید الساجدین علیه السلام در ادامه این مناجات عاشقانه می‌فرمایند: خداوندا! من سرشار از گناه هستم و جرایم و گناهان زیادی مرتکب شده‌ام، اما تو آنها را پوشاندی و پنهان نمودی و آبرویم را حفظ کردی. خداوندا! گرچه هنوز دست از افعال قبیح خود بر نداشته‌ام و قلب خود را، که حرم توست، به گناه می‌آلایم، ولی تو ستار العیوب هستی. خدایا! همچنان آبرویم را حفظ کن و گناهانم را پنهان بنما.

امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

«أین سترك الجمیل . . . واغفر لی ما خفی علی الادمیین من عملی
وادیم لی ما به سترتني»^(۱).

خداوندا! چه زیبا می‌پوشانی ... ببخشای بر من آنچه [از گناهان] را که بر مردم پوشیده است و همچنان آنها را پوشانده و پنهان دار.

قیامت روز رسوایی

قیامت عرصه‌ای است که تمام خلایق در آن جمع می‌شوند و خداوند به حساب همهٔ بندگان رسیدگی می‌نماید. ما باید از آن روز بهراسیم؛ زیرا در برابر دیدگان تمام خلایق می‌خواهند به حساب ما رسیدگی کنند و خواه ناخواه گناهان نهان ما آشکار خواهد شد. قرآن مجید نیز به این مطلب اشاره کرده و

۱ - مفاتیح الجنان، دعای ابو حمزه ثمالی.

از آن به « یوم تبلی السرائر » یاد کرده است. امیرالمؤمنین علیه السلام هم نگرانی خود را از این روز ابراز داشته و می‌فرماید:

« فلا تفضحني يوم القيامة على رؤوس الأشهاد »^(۱).

بارالها، روز قیامت در برابر دید همگان شرمسارم منما.

ما از اینکه آبرویمان در خانه و یا در یک جمع کوچک ریخته شود به شدت ترسانیم، چگونه است حال ما در روز قیامت که تمام خلائق، از اولین تا آخرین، گردهم آمده‌اند و خداوند در ملأ عام و در برابر دیدگان تمام خلائق به حسابها رسیدگی می‌نماید و پرونده‌ها و اسرار آشکار می‌گردد؟

پرده پوشی خدا در گره پرده پوشی ما:

هر دعای امام سجّاد علیه السلام در صحیفه سجّادیه، همانند مدرسه‌ای است برای نزدیکی به خدا و مناجات و کرامت اخلاقی تازه‌ای را به ما می‌آموزد. نکته مهمی که در ضمن این فراز از مناجات باید به آن توجه کرد این است که: اگر بنده‌ای در این دنیا، آبروی دیگر بندگان را نریزد و به آنان احسان و محبت نماید، خداوند متعال را خشنود نموده است و خداوند می‌فرماید: من اولی هستم به حفظ آبرو و احسان به تو. اگر از خداوند می‌خواهیم که آبروی ما را در دنیا و آخرت نسبت به جرایمی که مرتکب

۱- بحار الانوار، جلد ۹۱ صفحه ۹۷.

شده‌ایم حفظ کند و آبروی ما را نریزد، ما نیز نباید واقعاً در صدد ریختن آبروی دیگران باشیم^(۱).

اگر از خداوند می‌خواهیم که گناهان ما را بیامرزد، ما نیز باید تقاضای بخشش انسانهای مؤمن را بپذیریم^(۲). اگر دوست داریم که مورد لطف و عنایت الهی قرار بگیریم، ما نیز باید همین رفتار را با انسانهای دیگر داشته

۱- بسیاری از روایاتی که از ناحیه حضرات معصومین علیهم‌السلام صادر شده آنچنان بر حفظ حرمت مؤمن تأکید کرده‌اند که آن را همسنگ حرمت خانه کعبه و حتی بالاتر از آن دانسته‌اند. در روایتی، که حسن بن عطیه، نقل می‌کند چنین آمده است: روزی امام صادق علیه‌السلام بالای کوه صفا ایستاده بودند، عباد بصری به ایشان عرض کرد: «حدیثی از شما روایت شده است» امام علیه‌السلام فرمودند: «آن حدیث چیست؟» عباد بصری عرض کرد: «می‌گویند شما فرموده‌اید که حرمت مؤمن از حرمت این بنا [خانه کعبه] بالاتر است». امام علیه‌السلام فرمودند: «این سخن را من گفته‌ام. همانا اگر مؤمن به این کوهها امر کند که نزدیک شوید، چنین می‌کنند». سپس عباد بصری گفت: «به کوهها که نظر کردم دیدم به این سو می‌آیند.» سپس امام علیه‌السلام خطاب به کوهها فرمودند: «به حال خود بمان؛ من تو را اراده نکردم». (نخواستیم به این سو بیایی).

۲- بخشش و گذشت از کسانی که بر انسان ستم روا داشته‌اند واقعاً کار دشواری است و به جز از انسانهای خود ساخته از کسی ساخته نیست و کمتر کسی است که به خود حق انتقام‌گیری و مقابله ندهد و شاید به همین دلیل است که پیامبر نور و رحمت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین انسانهایی را بهترین خلائق خداوند معرفی کرده‌اند. در حدیثی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «لا أُخبرکم بخیر خلائق الدنیا والآخرة؟ العفو عمن ظلمک وتصل من قطعک والاحسان إلی من أساء الیک واعطاء من حرمک» (کافی ج ۲) ص ۱۰۷، این گذشت و بخشش نسبت به انسانهای آبرومند از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام از اهمیت بیشتری برخوردار است و بسیار تأکید شده که آبروی انسانهای وجیه به جز در مواردی که حدود خداوند نقض شده باشد، هر چند خطایی هم از آنها سر زده باشد، حفظ شود. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «أجیزوا لاهل المعروف عثرتهم واغفروها لهم فإنَّ کفَّ الله تعالی علیهم» (کافی ج ۴ ص ۲۸).

باشیم و باید باور داشته باشیم که بین رفتار ما با مردم و برخورد خداوند تبارک و تعالی با ما، ارتباط مستقیم و تنگاتنگ وجود دارد.

در مدرسهٔ اهل بیت علیهم‌السلام به ما آموخته‌اند که اگر سائلی چیزی از ما درخواست کرد و ما نتوانستیم به او کمک کنیم، حدّ اقل او را دعا کنیم و از خدا بخواهیم که او را کمک نماید. این یک درسی است که باید همیشه آن را به یاد داشته باشیم و بدان عمل نمایم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید:

« من علم من أخيه سيئةً فسترها ستر الله عليه يوم القيامة »^(۱).

هرکس از زشتی برادر خود آگاه شود و آن را پنهان کند، خداوند نیز در روز قیامت گناهان او را پوشیده می‌دارد.

اگر زشتی و گناه کسی را پنهان کردیم و او را در جمع رسوا نکردیم. خداوند متعال نیز در روز قیامت، گناهان ما را خواهد پوشاند؛ بدین معنا که ما را به خاطر انجام آن گناهان، عقاب و عذاب نمی‌کند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

« من روی علی مؤمن رواية يريدها شينه وهم مرؤته ليسقط من أعين الناس أخرجه الله من ولايته إلى ولاية الشيطان فلا يقبله الشيطان »^(۲).

۱ - الترغيب والترهيب، جلد ۳ صفحه ۲۲۹ و ميزان الحكمه جلد ۳ صفحه ۲۲۰۷ و مسند احمد جلد ۴ صفحه ۱۰۴.
۲ - کافی، جلد ۲ صفحه ۳۵۸.

اگر کسی علیه برادر مؤمنی خود سخنی بگوید که او را کوچک [و خوار] نماید و آبروی وی را بریزد خداوند او را از ولایت خود به ولایت شیطان وارد می‌کند و [حتی] شیطان نیز او را نمی‌پذیرد.

شخصی به محضر رسول الله ﷺ مشرف شد و پس از گفتگویی طولانی عرض کرد: «دوست دارم که خداوند گناهانم را ببوشاند».

پیامبر ﷺ در پاسخ فرمودند:

«أستُرُّ عيوب إخوانك يستر الله عليك عيوبك»^(۱).

گناهان برادرانت را پنهان کن تا خداوند پوشیده دارد گناهانت را.

در روایت دیگری رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«يا معشر من أسلم بلسانه ولم يسلم بقلبه! لا تتبعا عثرات المسلمين فإنه من تتبعا عثرات المسلمين تتبعا الله عثرته ومن تتبعا الله عثرته يفضحه»^(۲).

ای گروهی که به زبان ایمان آورده‌اید [ولی هنوز] با قلب ایمان نیاورده‌اید!، لغزشهای مسلمانان را جستجو نکنید، به درستی که هر کس پیگیری لغزشهای مسلمانان باشد، خداوند نیز به دنبال لغزشهای او می‌باشد و خداوند لغزشهای هر کس را که پیگیری کند سرانجام او را رسوا می‌کند.

۱- کنز العمال، جلد ۱۶ صفحه ۱۲۹.

۲- کافی، جلد ۲ صفحه ۳۵۵.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

« المؤمن ملجم »^(۱).

مؤمن بر دهان مسلط است.

انسان باید بر زبان خود مسلط باشد و زبان به هر سخنی نگشاید. متأسفانه امروزه در برخی از رسانه‌ها و مطبوعات مسأله‌ای به نام افشاگری، دستاویزی برای هتک حریم مؤمنین شده است که معلوم هم نیست از کجای دین چنین چیزی فهمیده شده است و جزء کدام یک از ملکات اخلاقی و آموزه‌های دینی می‌باشد.

خداوند بهترین همسایه:

« الهی! اِسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ وَاسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ ».

خدایا! به واسطه خودت طلب شفاعت می‌نمایم بر تو و از توبه خودت پناه

می‌برم.

نکته مهمی که در این فراز از دعا باید به آن توجه خاصی شود عبارت:

« به واسطه خودت از درگاه تو طلب شفاعت می‌کنم » است. بسیاری از مردم

آنچنان محو تلالؤ انواز قدسیه حضرات معصومین علیهم السلام می‌شوند که گاه

۱ - ملجم اسم فاعل از ماده «ألجم یلجم» به معنای لجام زدن است ولی کنایتاً به معنای ملتزم بودن به همه احکام شرعی تا زمانی که بنده در قید ایمان است استعمال می‌شود. معانی الاخبار، صفحه ۱۷۱.

ناخواسته از بارگاه حضرت حق جلّ و علا غافل می‌شوند. هر چند خداوند تبارک و تعالی حساب روزی خلاق را در دنیا و رسیدگی به اعمالشان در آخرت را به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام تفویض نموده است^(۱) ولی شاید وجود مقدّس سیّد الساجدین علیه‌السلام در این فراز از دعا می‌خواهند توجّه ریزه خواران مکتب را به این نکته جلب کنند که راه و طریق، خود ما هستیم، ولی این امر نباید شما را از منبع لایزال حضرت حق (سبحانه و تعالی) غافل کند.

امام سجّاد علیه‌السلام در این فراز از دعا، درب جدیدی به سوی معارف بیکران الهی مقابل ما می‌گشایند و می‌فرمایند: بارالها! خودت شفیع و واسطه من باش و مرا در پناه و جوار خودت قرار بده.

نکته مهم دیگری که در ضمن این فراز دعا باید به آن توجّه کرد حقّ همسایه بر همسایه است که از جمله حقوق مهمّ اجتماعی به شمار می‌رود. امام سجّاد علیه‌السلام هم با توجّه به عنایت ویژه‌ای که معارف دینی ما به سالم سازی اجتماع و ایجاد یک مدینه فاضله دارد، در رساله حقوق خود فصلی در بیان حقوق همسایه باز کرده‌اند که ما به جهت رعایت اختصار از بیان آن

۱ - خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ (سوره غاشیه، آیه ۲۵ و ۲۶) یعنی بازگشت مردم به سوی ماست و ما به حساب آنها رسیدگی می‌کنیم؛ در زیارت شریفه جامعه کبیره خطاب به اهل بیت علیهم‌السلام عرض می‌کنیم «أَيُّابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ» یعنی خلق به سوی شما (خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باز می‌گردند و رسیدگی به حساب خلق بر عهده شما است و اگر بخواهیم بین این دو را جمع کنیم باید بگوییم خداوند امور دنیا و حساب آخرت خلق را به اهل بیت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تفویض کرده است.

می‌گذریم و به ذکر یک حدیث از پیامبر گرامی اسلام ﷺ بسنده می‌کنیم که فرمودند: «ما زال جبرئیل علیه السلام یوصینی بالجار حتی ظننتُ أنه سیورته»^(۱). در این فراز از نیایش امام سجاد علیه السلام به خداوند متعال عرض می‌کنند، خداوندا! از تو، به خودت پناه می‌برم و مرا در جوار رحمتت [و همسایگی خودت] قرار بده تا از فیوضات این همسایه بی‌بدیل متنعم شوم.

می‌گویند عده‌ای می‌خواستند در محدوده محل اقامت حاتم طائی به شکار ملخ بپردازند، اما حاتم طائی به آنان اجازه نداد و گفت: این ملخها به من پناه آورده‌اند.

طمع در رحمت الهی:

«أیتینک طامعاً فی إحسانک راغباً فی امتنائک مستسقیاً و ابل طوئک» .

به درگاه تو آمدم به طمع احسان تو و راغب در بخشش تو و به طلب باران رحمتت از ابر بخشش .

خداوندا! می‌دانیم که تو محسن هستی و به احسان تو طمع داریم، احسانت مانند باران فراوانی است که قطع نمی‌شود؛ ما را از فیض و احسانت سیراب گردان!

۱- آنقدر جبرئیل درباره همسایه به من سفارش کرد که من تصور کردم همسایه از همسایه اش ارث می‌برد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کتاب سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، سلسله گفتارهای آیه الله یشربی ج ۳.

« مستمطراً غمام فضلك ، طالباً مرضاتك ، قاصداً جنابك ، وارداً
شريعة رفدك » .

خواستار ابرِ فضلِ هستم و عازم آستانِ هستم ، وارد بر آبگیر پذیرائی در
جویبار عطایت .

بارالها ! فضل تو همانند ابری است که بر تمام هستی سایه افکنده
است ، از این ابر باران می‌خواهیم . عطایای تو ، همانند رودخانه‌ای است که در
جریان می‌باشد و ما در کنار این رودخانه نشسته‌ایم و می‌خواهیم از آن
بهره‌مند شویم .

« ملتمساً سنّی الخیرات من عندك » .

و خواهشمند خیرات درخشانت .

می‌خواهیم به آسانی به خوبیهای تو دسترسی داشته باشیم و زود به
آنها برسیم .

« وافداً إلى حضرة جمالك » .

وارد بر حضرت و درگاه جمالت .

می‌خواهیم از حضور تو لذت ببریم .

« مریداً وجهك » .

مرید آستانِ هستم .

« طارقاً بابك » .

کوبندهٔ درب بنده نوازیت .

می‌خواهیم درب خانه‌ی تو را به صدا در آوریم.

« مستکیناً لعظمتك و جلالك ».

خوار در برابر بزرگیت.

تکیه‌گاه ما فضل و عظمت و جلالت تو است.

عدالت معامله‌ای دشوار:

« فافعل بي ما أنت أهله من المغفرة والرحمة ولا تفعل بي ما أنا

أهله من العذاب والنقمة برحمتك يا أرحم الراحمين ».

با من آن‌گونه که تو شایسته‌ی آنی از آمرزش و رحمت رفتار کن و ممکن با من

آنچه من لایق‌ام از عذاب و عقوبت، به رحمتت [امیدوارم] ای مهربان‌ترین

مهربانان.

دیدن معشوق بالاترین نعمت برای عاشق به شمار می‌آید و چیزی به

جز وصل و دیدن زیباییهای معشوق، دل‌بی‌قرار عاشق سوخته دل را تسکین

و آرامش نمی‌بخشد.

خانه‌ی خداوند، خانه‌ی احسان، فضل و کرامت است؛ اگر خداوند درب

این خانه را باز نکند و با بندگان با عدالت خود معامله فرماید، حساب سختی

در پیش خواهیم داشت؛ به همین دلیل در دعاها به خداوند چنین عرض

می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ عاملنا بفضلك ولا تعاملنا بعدلك»^(۱).

خدایا! با ما بر اساس فضلت رفتار نما نه با عدالت.

رحمت گسترده الهی:

حضرت لقمان علیه السلام به فرزند خود می فرماید:

﴿ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ

فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ حَبِيرٌ ﴾^(۲).

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردل (کار نیک یا بد) باشد، و در دل

سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در

قیامت برای حساب) می آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است.

رحمت الهی بسیار گسترده و وسیع است. حتی در آن روزی که به

تصریح قرآن و بیان ائمه هدی علیهم السلام روز دهشت و وحشت است و کسی به جز

خود به هیچ کس دیگر نمی‌اندیشد و مهرها از دل بیرون می‌رود و همه از هم

گریزانند، خداوند چنان سفره رحمت را می‌گستراند که همگان، حتی شیطان

هم به رحمت و لطف حضرت حق (سبحانه و تعالی) طمع می‌ورزد. چنانکه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱ - شرح اصول کافی.

۲ - سوره لقمان، آیه ۱۶.

« إذا كان يوم القيامة نشر الله تبارك وتعالى رحمته حتى يطمع إبليس في رحمته »^(۱).

هنگامی که خداوند در روز قیامت رحمت خود را بگستراند، ابلیس نیز به رحمت خدا طمع می‌ورزد و می‌پندارد که رحمت الهی شامل حال وی می‌گردد.

در رابطه با رحمت گسترده و بی‌کران الهی، رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

« إن لله عز وجل مائة رحمة . وإنه أنزل منها واحدة الى الأرض فقسّمها بين خلقه ، بها يتعاطفون ويتراحمون وأخر تسعاً وتسعين لنفسه يرحم بها عباده يوم القيامة »^(۲).

رحمت خداوند دارای صد بخش می‌باشد، خداوند یک قسمت [از آن صد قسمت] را به زمین فرود آورد و بین مخلوقات پخش نمود که با آن با همدیگر مهربان هستند و به همدیگر رحم می‌کنند و نه قسمت دیگر را نزد خود نگه داشت برای اینکه به بندگان خود در روز قیامت به آن رحمت کند.

آری! مهربانی و عطوفتی که در میان تمام مخلوقات و موجودات وجود

۱ - امالی صدوق علیه السلام، مجلس سی و هفتم حدیث ۲.

۲ - تفسیر مجمع البیان، جلد ۱ صفحه ۴۴ و بحار الانوار، جلد ۶ صفحه ۲۱۹ با اندکی تفاوت.

دارد، یک درجه از صد درجه رحمت الهی است. خداوند متعال نود و نه برابر این رحمت را به خود اختصاص داده است تا در روز قیامت، بندگان از آن رحمت برخوردار و آمرزیده شوند.

فیض کاشانی رحمته در کتاب *مَحْجَّةُ الْبَيْضَاءِ*، نقل می‌کند در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پسر بچه‌ای بر روی ریگهای داغ و تفتیده بیابان ایستاده بود و سرگرم دیدن مناظر پیرامون خود بود. همین که مادرش این صحنه را دید رفت و بر روی زمین دراز کشید و به فرزندش گفت: روی سینه من بایست و اطراف خود را تماشا کن، هنگامی که مردم این صحنه را دیدند بسیار گریستند سپس رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«أَعْجِبْتُمْ مِنْ رَحْمَةِ هَذِهِ لَابْنِهَا؛

آیا از مهربانی این مادر نسبت به فرزندش تعجب کردید؟

و مردم در پاسخ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کردند: آری. سپس

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ادامه فرمودند:

فإن الله تعالى أرحم بكم جميعاً من هذه لابنها»^(۱).

خداوند مهربانتر است به شما از این مادر به فرزندش.

همچنین فیض کاشانی رحمته در همان کتاب نقل می‌کند: روزی ابن عباس

مشغول خواندن قرآن بود که به این آیه رسید،

۱ - *مَحْجَّةُ الْبَيْضَاءِ*، جلد ۸ صفحه ۳۸۹.

﴿ وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا ﴾^(۱).

و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد.

عربی که در نزدیکی ابن عباس بود هنگامی که این آیه را شنید گفت:

«والله ما أنقذكم منها وهو يريد أن يوقعكم فيها؛

بخدا سوگند، خداوند شما را از آن نجات نداد تا اینکه شما را در آن

بیندازد^(۲).

سپس ابن عباس گفت:

خذهما من غير فقيه^(۳).

از این سخنی که غیر فقیه (غیر متخصص در فهم قرآن) آن را گفته است،

استفاده کنید.

خداوند متعال می‌خواهد در سایه تعالیم آسمانی دین و تحت تعلیمات

مربیان آسمانی خویش که همان ائمه هدی عليهم السلام می‌باشند ما را از آتشی نجات

دهد که خود با اعمال خود آن را برافروختیم وگرنه خداوند کوره بر نیافروخته

که بندگان را در آن بسوزاند.

گناه به معنای خروج از دایره بندگی است و یک گناه کافی است که ما را

۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲ - احتمالاً منظور اعرابی این است که خداوند شما را در آتش نیانداخته است که حالا

بخواهد شما را نجات دهد بلکه خودتان با اعمالتان آتشی افروخته‌اید که خداوند از سر

لطف شما را از آن نجات داده است.

۳ - محجة البيضاء، جلد ۸ صفحه ۳۸۶.

از همهٔ رحمتها و کرامت‌های الهی دور کند و ما را مستحقّ عذاب و عتاب نماید؛ بنابراین هرگز نباید گناه را هرچند کم و ناچیز است کوچک شمرد؛ چرا که کوچک شمردن گناه، گناهی بزرگ است.

تبلیغ دین و وظیفه‌ای مهم:

انشاء الله دعاها و نیایشهای امام سجاد علیه السلام در همهٔ ما تأثیر بگذارد. ایّام مبارک فاطمیّه علیها السلام در پیش است آقایانی که می‌توانند به تبلیغ بروند و انجام وظیفه نمایند چه در این ایّام و چه در ایّام تبلیغی دیگر، این وظیفه مهم و خطیر را فراموش نکنند.

می‌گویند، روزی یک نفر از اهل سنت به علامه امینی رحمته الله علیه گفت: «چرا شما عاشورا را این قدر با شکوه بر پا می‌کنید و همه ساله عزاداری می‌کنید و به سرو سینه می‌زنید؟»

علامه امینی رحمته الله علیه در پاسخ فرمودند: «ما مسأله غدیر را ساده گرفتیم، شما اصل آن را انکار کردید، دیگر نمی‌گذاریم با عاشورا چنین کنید.»

شهادت حضرت زهرا علیها السلام از جمله واقع دردناکی است که در اثر سهل انگاری ما گرفتار این بلا شده است و کار به جایی رسیده است که کسانی پیدا شده‌اند و اصل شهادت را انکار می‌کنند و آن را افسانه می‌پندارند، حال آنکه حتی برخی از علماء متعصب اهل تسنن واقعهٔ شهادت حضرت زهرا علیها السلام را

جزء قطعیات می‌دانند و در کتب خود نیز ذکر کرده‌اند. حتّی ذهبی که یک سنّی متعصّب است و با وجود اینکه در کتاب مفصّل تاریخی خود، وقایع خانه امیرالمؤمنین علیه السلام و رفتار امّت با فاطمه علیها السلام را نیاورده است ولی نتوانسته از ذکر این مطلب بگذرد و چنین می‌گوید:

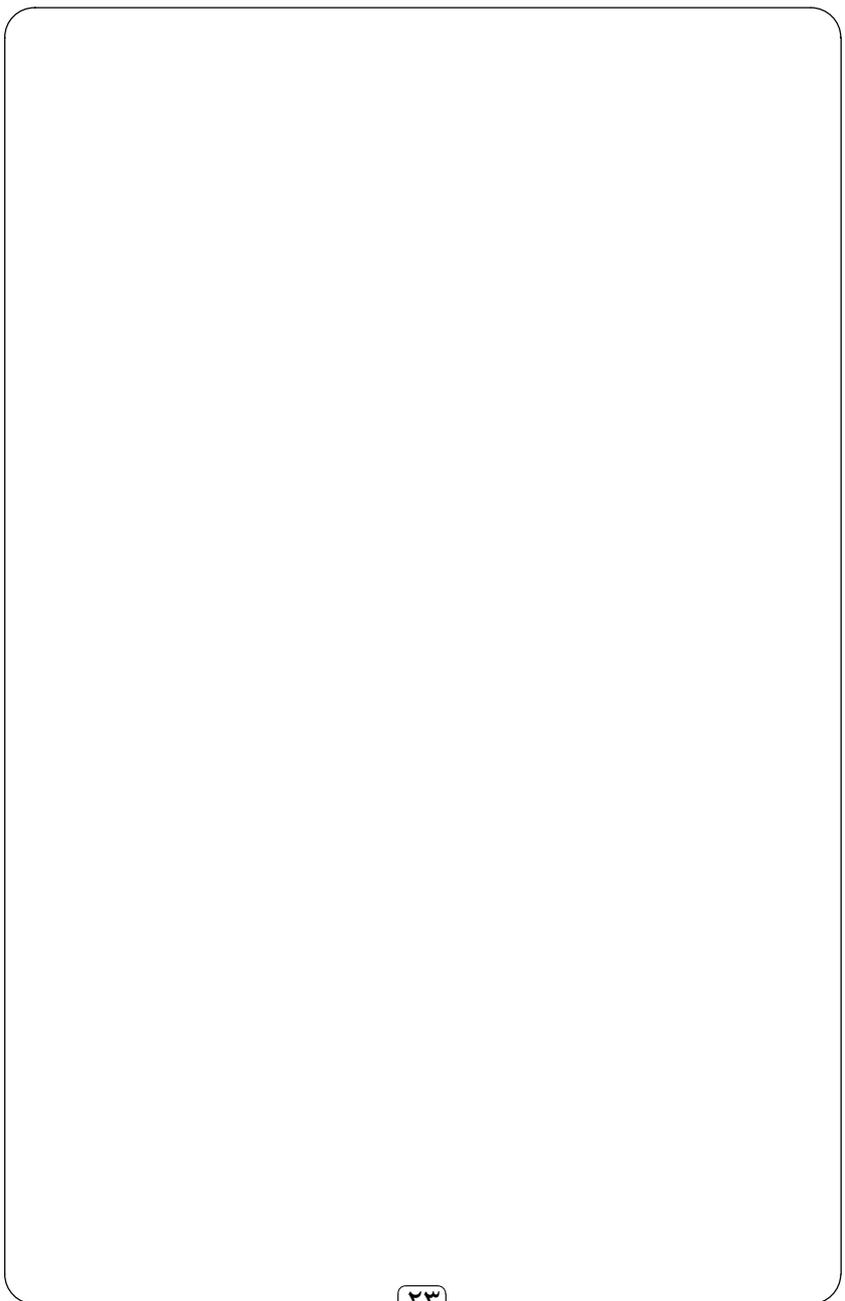
«إنّ عمر رفس فاطمة حتّی اسقطت بمحسن»^(۱).

عمر با لگد به فاطمه علیها السلام زد که منجر به سقط جنین ایشان محسن علیها السلام گردید.

تبلیغ جز فرایض شرعیّه است و هر چه از وجوهات حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) برای آقایان خرج می‌شود برای این است که صلاحیت تبلیغ پیدا کنند وگرنه خواندن و اندوختنی که نشر داده نشود خیری ندارد. آقایان حتماً به تبلیغ بروند و مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام را با شجاعت به همه ابلاغ نمایند، تا در سایه این اظهار ارادتها انشاء الله مورد رحمت و مغفرت الهی قرار بگیریم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- میزان الاعتدال، جلد ۱ صفحه ۱۳۹ شماره ۵۵۲.



اخلاق: ۵۷

انسان باید بر زبان خود مسلط باشد و زبان
به هر سخنی نگشاید. متأسفانه امروزه در
برخی از رسانه‌ها و مطبوعات مسأله‌ای به نام
افشاگری، دستاویزی برای هتک حریم
مؤمنین شده است که معلوم هم نیست از کجای
دین چنین چیزی فهمیده شده است و جزء کدام
یک از ملکات اخلاقی و آموزه‌های دینی
می‌باشد. (صفحه ۱۲ از همین جزوه)

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹